

## در آنسوی هیاهو بر سر امضای تفاهم نامه امنیتی با پاکستان

### محمداکرام اندیشمند

خبر امضای تفاهم نامه امنیتی میان سازمان های استخباراتی پاکستان و افغانستان در هفته گذشته (30 ثور 1394 برابر به 20 می 2015)، مخالفت گسترده و واکنش های خشم آلودی را برانگیخت. در شبکه های مجازی نیز، این واکنش شدید و گسترده بود. بسیاری از این مخالفت ها از آدرس دشمنی با پاکستان ابراز می شد و در واقع، مخالفان امضای این تفاهم نامه به نحوی وطن دوستی و غیرت افغانی خود را در مخالفت و مقابله با دشمن تاریخی وطن خود یعنی پاکستان به نمایش می گذاشتند. اما نکته مهم و شگفت آور در نگاه و بررسی این مخالفت ها و واکنش ها، به درک متفاوت و هدف متفاوت آنها بر می گشت. و حتی به عدم درک شمار قابل ملاحظه ای که با ناهمپی و بی هدفی در عقب قافله می روند و هیاهویی برای هیچ بر پا می دارند.

در میان مخالفان تفاهم نامه امنیتی با پاکستان، واکنش حامد کرزی رئیس جمهور پیشین و شکریه بارکزی عضو پارلمان، بسیار تند، صریح و خشمگینانه بود. سپس زلمی خلیل زاد سیاستمدار امریکایی افغان تبار نیز از امریکا به این جمع پیوست و هر چند لحن او در این مخالفت، قهر و خشم خانم شکریه و آقای کرزی را نداشت. چرا آنها و به خصوص کرزی واکنش خشمگینانه داشت و حتی گفته می شود که در تماس تلفونی از رئیس جمهور غنی خواست تا بلادرنگ این تفاهم نامه را باطل اعلان کند؟

این در حالی است که افغانستان بدون حل مشکل با پاکستان و بدون رسیدن به تفاهم و توافق با پاکستان، به صلح، ثبات و توسعه پایدار نمی رسد. افغانستان از توانایی و ظرفیت ایجاد توازن با پاکستان به خصوص در عرصه نظامی و حتی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و جغرافیایی برخوردار نیست تا در وجود چنین توازنی، دخالت پاکستان را در بی ثبات سازی، مهار و متوقف کند. تجربه و حوادث نیم قرن گذشته و حتی بیشتر از آن تا اکنون این حقیقت تلخ را منعکس می سازد. حامد کرزی بعد از سیزده سال زمام داری در سایه حمایت مستقیم نظامی و مالی ایالات متحده امریکا و غرب و بیست بار سفر بی حاصل به اسلام آباد، در توهم کسب زعامت و "مشری" پشتونهای منطقه در دوکشور افغانستان و پاکستان است. او هوای پشتونستان بزرگ و لوی افغانستان را با تجزیه پاکستان به سر می پروراند و بسوی رابطه کابل و اسلام آباد و حل مشکل میان دو کشور از همین منظر نگاه می کند؛ هر چند که افغانستان به عنوان یک کشور مستحق ثبات و توسعه پایدار و عادلانه در تمام عرصه های حیات، بیش از نیم قرن می شود که در گرو این توهم، اسیر و معذب است.

هیاهوی افراد و حلقه هاییکه بر سر رابطه افغانستان و پاکستان جدا از نگاه های معطوف به موضوع قومی، طبل دشمنی با پاکستان را بیشتر به صدا در می آورند و کاسه داغتر از آش می شوند و خود را در جهت توهم لوی افغانستان سرباز می

سازند، به درک نادرست شان از منافع کلان کشور و ناهمبمی شان از بازی های پیچیده سیاسی بر میگردد.

اما در میان جوامع مختلف سیاسی و قومی افغانستان، به خصوص در میان جامعه سیاسی پشتونها، افراد و عناصر واقع بین و حقیقت گرا هستند که منافع کلان ملی افغانستان را برای صلح دایمی، ثبات و توسعه پایدار و شکل گیری دولت ملی و مدرن، در حل مشکل کابل و اسلام آباد و توافق همه جانبه میان دو طرف، می بینند. اگر رئیس جمهور غنی با این نگاه و استراتیژی در صدد حل مشکل و شکل گیری تفاهم و توافق همه جانبه بر سر تمام مسایل با پاکستان است، این، یک مسیر درست در جهت سیاست معطوف به عقلانیت و منطبق به منافع ملی افغانستان شمرده می شود، مسیری که با تمام دشواریها و موانع، از آن عبور باید کرد.